

حمید سبزواری (شاعر)

امیر حسین فردی (نویسنده)

ابوالفضل علی (کالیبست)

حسن شایگانفر (محقق)

شهید رسول کافورزاد (نگار)

شهید احمد زاغی (شاعر)

مهرداد اوستا (شاعر)

حسن روح‌الامین (نگاش)

سهرابشام ظاهری(ایرانی‌تبار)

حبیب‌الله معلفی (شاعر)

علیرضا قزوئ (شاعر)

محمد علی گوبینی (نویسنده)

علی‌محمد مؤذن (شاعر)

محمد مهدی سیار (شاعر)

سیمین‌ذخت وحیدی (شاعر)

امیر حسین ضلویان (تصویرگر)

مقام معظم رهبری ۲۱ آذر امسال فرمودند:

«شما روایت کنید حقایق جامعه خودتان و کشور خودتان و انقلابتان را. شما اگر روایت نکنید، دشمن روایت می‌کند... هر جور دلش می‌خواهد؛ توجیه می‌کند، دروغ می‌گوید آن هم ۱۸۰۰ درجه خلاف واقع؛ جای ظالم و مظلوم را عوض می‌کند.»
همچنین در این دیدار رهبر فرزانه انقلاب اسلامی بر ضرورت روایت هنری حوادث از جانب هنرمندان تأکید نمودند.

«زینب کریمی» نویسنده دو رمان «چینی بندزن» و «تنور دوستی» هستند که توسط مؤسسه فرهنگی هنری قدرولایت منتشر شده است و در جهت ثبت وقایع و روایت بخشی از تاریخ پهلوی

چه شد که به فکر نوشتن رمان افتادید؟

همیشه دغدغه کار فرهنگی داشتم؛ تا اینکه بعد از مدّتها تجربه کار در مدارس و نیز در حیطه روانشناسی به این نتیجه رسیدم که هیچ چیز به مثابه زبان هنر نمی‌تواند حقایقی که روز به روز در معرض انحراف و فراموشی هستند را به نسل جدید معرفی و تبیین کند.

را مان‌ها بر اساس داستان‌های واقعی هستند؟

بی‌تردید، آنچه در کتاب به رضاخان و کارگزارانش منتسب شده، عین واقعیت است؛ امّا شخصیت‌ها و داستانی که آنها را به هم پیوند داده، نمادین و ساخته و پرداخته ذهن بنده است، مثل حضور اجباری و تلخ

گفت و گو با زینب کریمی نویسنده رمان‌های «چینی بندزن» و «تنور دوستی»

روایتی هنرمندانه از مفاسد دوران پهلوی و دستاوردهای انقلاب اسلامی

یوسف در مازندران، که نمادی از رعیت فلک‌زده‌ای است که عمال رضاشاه آنها را برای بیگاری به یوغ کشیدند.

از نحوه تعامل با مؤسسه قدرولایت بگویید؟
اینکه چطور تصمیم گرفتم کتاب‌هایم را به این انتشارات معرفی کنم ماجرای جالبی دارد. پدر بنده از جمله افرادی هستند که هنوز هم عادت به خریدن نشریات کاغذی از جمله روزنامه کیهان دارند و بنده در منزل ایشان، به طور اتفاقی چشم‌م به صفحه‌ای از روزنامه کیهان که فراخوان انتشارات قدرولایت برای دریافت آثار مرتبط با کودتاجپان در آن چاپ شده بود افتاد و چون آن زمان «تنور دوستی» را نگاشته و سرگرم نگارش چینی بندزن بودم، با مشاهده همین صفحه کیهان تصمیم گرفتم با انتشارات قدرولایت تماس بگیرم. خواست خدا این بود که به این نحو با انتشارات قدرولایت آشنا شوم و انصافاً انتشارات هم بدون هیچ آشنایی قبلی همکاری با بنده را پذیرفته و دل‌سوزانه کتاب‌های بنده را مورد ارزیابی و بازبینی قرار داد و از هیچ کمکی فروگذار نکرد.

ابتدا بپروازیم به کتاب تنور دوستی. موضوع ماجرای کتاب چیست؟

داستان کتاب مربوط می‌شود به نازنین، نوجوانی ۱۲ ساله که در ماجرای تخیلی از سال ۱۳۹۸به سال ۱۳۱۵ برمی‌گردد و با دختری هم سن و سال خودش آشنا و دوست شده و متوجه شرایط کاملاً متفاوت زمان‌هایی که دوستش در آن زندگی می‌کند منجمله اجرای قانون کشف حجاب رضاشاه با سختگیری و خشونت تمام، گشته و پس از اینکه سعی می‌کند از این مقطع زمانی اطلاعات بیشتری کسب کند، به یاری دوستش شتافته و موفق می‌شود در آن شرایط دشوار با طرح نقشه‌ای به دوستش کمک کند.

چگونه حقایق عظیم و مستندات مهم تاریخی در سطح فهم و درک نوجوانان در آورده شده است، آن هم با لحنی بسیار جذاب و لطیف و روان؟

امیدوارم همین باشد که شما می‌گویید، چون تمام تلاشم در حین نگارش رمان این بود که خودم را به حال و هوای نوجوان‌های امروزی که به واسطه کار در مدارس شناخت نسبی از سطح دانش و اطلاعات آنها داشتم نزدیک کنم.

چرا داستان در کلاس قرآن و در ارتباط با بحث قرآن روایت شده است؟

از آنجسا که خودم سالها در فضای قرآنی حضور داشتم و از نعمت دوستان و اساتید قرآنی بهره‌مند

بودم، دوست داشتم این حال و هوای معنوی را برای خواننده نوجوان کتاب به تصویر بکشم و در عین حال در کنار انتقال مفاهیم تاریخی، غیرمستقیم آیتی از قرآن کریم را که در زندگی روزمره بسیار ملموس و کاربردی هستند در کتاب مورد استفاده قرار دهم.

حال برویم سراغ رمان «چینی بندزن». **کتاب را به مادر گرمای و ولایت‌مداران و روح پرتوچ**

بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی تقدیم نموده‌اید و از اعتقادات و اسرخی و فدائکاری‌های مادر بزرگوارتان در دوران دفاع مقدس یاد نموده‌اید. اگر خاطرات و روایت‌هایی از این موضوع (دفاع مقدس) دارید، بفرمایید.

از مادر دهنه فرزند ارشد خانواده‌ای نسبتاً برخوردار

در دست گرفته و مادرم نیز با کلت و یا کلاش آماده بودند که اگر درگیری پیش آمد، تیراندازی کنند و ما بچه‌ها هم در ماشین در کنارشان بودیم! خاطراتی که من آن را با اینکه در آن زمان سه-چهار ساله بودم به یاد دارم مربوط می‌شود به عملیات مرصاد در سالل ۱۳۶۷؛ در آن زمان ما در کرمانشاه ساکن بودیم. روز قبل از عملیات پدرم که تازه از مریوان برگشته بودند به کرمانشاه می‌آیند و چون وضعیت شهر را عادی نمی‌بینند از اسلام آباد عبور کرده و به سمت گیلان‌غرب می‌روند تا فرمانده قرارگاه را ببینند و به فاصله یک ساعت بعد از عبور ایشان از اسلام‌آباد، منافقین اسلام آباد را تصرف می‌کنند و از آن سو پدرم که از یادگان کاسه‌گران به سمت گیلان غرب

و انقلاب محسوب می‌شوند. در کتاب «تنور دوستی» مفاسد و مظالم دوران پهلوی در عرصه‌های مختلف و همچنین دستاوردهای عظیم انقلاب اسلامی ایران در عرصه‌های مختلف از زبان یک نوجوان بیان شده است و در کتاب «چینی بندزن» مفاسد و مظالم دوران رضا پهلوی در عرصه‌های مختلف به ویژه در عرصه غصب گسترده زمین‌های مردم و در عرصه حجاب و کشف حجاب رضاخانی برای مخاطب عمومی به صورت بسیار عمیق و هنرمندانه روایت نموده و به معنای واقعی کلمه مصداق روایتگری هنرمندانه است که اخیراً رهبری مطالبه فرموده‌اند. این کتاب از این جنبه در عرصه نشر نبی نظیر یا کم‌نظیر است.

به همین مناسبت درباره این دو کتاب با زینب کریمی مصاحبه کردیم:

را از کرمانشاه خارج می‌کردند، چون هر لحظه ممکن بود کرمانشاه سقوط کند و شهر به دست منافقین بیفتد، امّا مادرم به دلیل اینکه خواهر کوچک‌ترم تازه به دنیا آمده بود، شهر را ترک نمی‌کنند و از دوستی نفر خانوار ساکن شاید چهار-پنج خانواده در شهرک محل سکونت ما می‌مانند. یادم می‌آید که اتفاقاً آن شب طوفان شدیدی گرفت و باد خودش را در به در دیوار می‌کوبید، صدای تیراندازی و توپ و خمپاره از هممسو به گوش می‌رسید تا جایی که از شدت تیراندازی استکانها تکان می‌خورند و چراغ‌ها را هم به لحاظ امنیتی خاموش کرده بودیم. خانم دیگری از همسایه‌ها به دلیل اینکه دخترش مبتلا به سرخک بود، در شهزهرک مانده بود و ما برای اینکه به هم دلگرمی

و اطلاعات جامعی از فرهنگ و آداب و سنن مردمان روستایی در قدیم دارند و بنده شب‌های بسیاری از خاطراتی که تعریف می‌کردند یادداشت‌برداری کرده و از همین گپ‌وگفت‌ها ایده می‌گرفتم و بسیاری از آنها را شاخ و برگ داده و در کتاب مورد استفاده قرارداهم.

چه مقوله‌های تاریخی، کدام دسته از جنایات رژیم پهلوی و چه مقوله‌های کیفی و ارزشی مردم در این کتاب مطرح گردیده است؟

کتاب با روایت زندگی خانواده‌های روستایی و سنتی جامعه ایران که دیانت و اعتقاد به مبانی اسلام در آنها ریشه‌دار و مستحکم است، به ماجرای زمین‌خواری رضاشاه، کوچ اجباری ایلات و ششایر، منع عزاداری در ایام عزای امام حسین علیه‌السلام، بیگاری کشیدن از رعیت، اجرای قانون اتحاد‌البنسه مردان، واقعه مسجد گوهرشاد، کشف حجاب اجباری زنان، فساد مأموران حکومتی و… می‌پردازد.

در مورد شهید مدرس چه مطلبی در کتاب آمده است؟

محمدجواد که قهرمان اصلی چینی بندزن است، پس از جنایت گوهرشاد، دچار آس و سردرگمی می-شود و این شهید مدرس است که به او انگیزه بخشیده و مسیر صحیح مبارزه را برایش تبیین میکند.

کدام شخصیت‌ها از میان قهرمانان کتاب به شهادت می‌رسند و چگونه؟ آیا از شهدای آن دوره الهام گرفته شده‌اند؟

به عنوان نمونه می‌توانم به شهادت جعفرآقا اشاره کنم که نمادی از شهدهای مظلوم جنایت مسجد گوهرشاد است. مردمان دینداری که صدای اعتراضشان شنیده نشد و پیکرشان را به خانواده‌ها بازنگرداندند و هیچ‌گاه معلوم نشد پیکرهای مطهرشان را بی‌نام‌وشان در کجا دفن کرده‌اند.

نقطه مشترک هر دو کتاب مقوله حجاب و ماجرای کشف حجاب رضاخانی و جنایات رخ داده در مسجد گوهرشاد و شهدهای راه دفاع از حجاب است. آیا در دو داستان فقط به مقوله حجاب به صورت عام پرداخته شده یا ارزش و عظمت چادر هم تبیین گردیده است؟

در چینی بندزن، همان‌طور که شخصیت خورشید که از قهرمانان اصلی داستان است پشت سر گذاشتن حوادث ریز و درشت، رو به تکامل می‌رود، پوشش او هم شکل کامل‌تری به خود می‌گیرد و خورشید بعد از حوادثی که پشت‌سر می‌گذارد، با اندیشه و رضایت، تصمیم به پوشیدن چادر می‌گیرد. در واقع میان بلوغ عقلانی خورشید و انتخاب حجاب برتر ارتباط وجود دارد.

آیا در آن دوران فقط برای چادر منع وجود داشت یا برای هر نوع حجابی؟

منع حجاب به این معنا بود که نه تنها زنها اجازه پوشیدن چادر و چاقچور نداشتند، بلکه تمام پوشش‌های محلی و سنتی زنان روستایی و عشایری که شامل چادر نبود اما به نوعی حجاب سر و پوشش تن محسوب می‌شدند منع شده و حتی متعرض زنهایی می‌شدند که با پوشیدن کلاه‌های بزرگ و بلوزهای گشاد با یقه بسته، سعی در حفظ حجابشان داشتند. **چه ابعاد و جزئیاتی از حادثه گوهرشاد در این کتاب ذکر شده؟**

با توجه به حضور شخصیت‌های اصلی رمان در قیام گوهرشاد، خواننده رمان از ابتدای شکل‌گیری قیام تا انتهای آن را که منجر به شهادت و زخمی شدن جمع کثیری از مردم شد، در ذهن می‌گذراند و متوجه علل شکل‌گیری قیام، نقش رهبران قیام و نیز حضور همه‌جانبه مردم که دغدغه دفاع از مقدسات شرع را داشتند، می‌شود.

اطلاعات کتاب‌ها مستند به چه منابعی هستند؟

من فهرست جامعی از کتاب‌ها و مقالاتی که از آنها استفاده کرده‌ام تهیه و در اختیار انتشارات قرار دادم. کتاب مرجعی نظیر تاریخ بیست ساله ایران نوشته حسین مکی و یا رضاشاه و بریتانیا، دکتر محمد قلی مجید که بر مبنای اسناد وزارت خارجه آمریکا به تحلیل شخصیت و عملکرد رضاشاه می‌پردازد.

اگر صحبت دیگری دارید در پایان بفرمایید.
همیشه افسوس می‌خورم که چرا خاطرات مادر مدرزبزرگم را که اتفاقاً از کشف حجاب رضاخانی خاطرات خوبی داشتند، ثبت و ضبط نکردم، خیلی خوب است که افراد دغدغه‌مند نگذارند این دست خاطرات با مرگ افراد به فراموشی سپرده شده و راه برای تحریف حقایق تاریخی هموار شود.

می‌شود به‌گونه‌ای که حتی قدرت تشخیص و تمیز میان حقیقت و کذب در روایت‌های پیچیده رسانه‌ای از دست می‌رود و به جای آن تکنیک‌های فرمی و تکنولوژی رسانه‌ای، ایده‌های فرهنگی را در خود می‌بلندد و نوعی میان‌مایگی فراگیر را موجب می‌شود که لایه به لایه و سطح به سطح از نوآوری‌های هنری و اصالت فرهنگی در آن کاسته می‌شود. این فرو کاستگی و در واقع نقصان و میان‌مایگی آنجا بیشتر مشخص می‌شود که در تکثیر و بازپخش‌های بی‌دری و مستمر، جا به جا- با هر تکثیر و هر بازپخش- هنر اصیل و هنر جعلی و مرجعیت آن‌جا به جا فرشته و تعیین هویت و اصلاً هویت بخشی فرهنگی را به واسطه تناحلات ناگزیر، مخدوش می‌سازد و بدین شکل هنر جعلی و میان‌مایگی فرهنگی را روز به روز وسیع‌تر در سطح جامعه فرا می‌افکند. نتیجه این امر واضح است. جامعه‌ای سطحی، فاقد خلاقیت و نوآوری و در نتیجه فاقد رقابت در شکل و ایده، یکدست و بی‌هویت، که هر روز بهای بیشتری را برای تکثیر و بازپخش میان‌مایگی و بی‌هویی هنر در عصر مولتی مدیا پرداخت می‌کند. از هزینه‌های شخصی تا آسیب‌های اجتماعی.

کامران پورعباس

روایتی هنرمندانه از مفاسد دوران پهلوی



همیشه افسوس می‌خورم که چرا

خاطرات مادر مادربزرگم را که

اتفاقاً از کشف حجاب رضاخانی

خاطراتی شنیدنی داشتم، ثبت

و ضبط نکردم، خیلی خوب است

که افراد دغدغه‌مند نگذارند این

دست خاطرات با مرگ افراد به

فراموشی سپرده شده و راه برای

تحریف حقایق تاریخی هموار شود.



بدمی، یک لحظه چراغ اتاق را روشن می‌کردیم به مدعی، اینکه ما هستیم! و بعد ایشان با روشن کردن چراغ اتاقشان به ما علامت میدادند. خاطرات تلخ و شیرین بسیاری از آن دوران هست که مجال تعریفشان نیست و خودشان به‌تنهایی می‌توانند رمانی جذاب را شکل دهند.

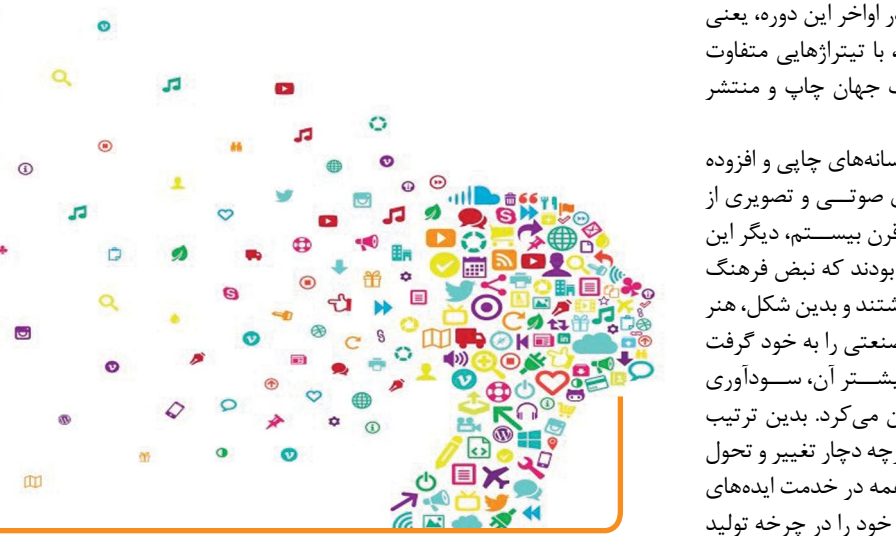
موضوع و ماجرای کتاب چیست؟
داستان پیرامون زندگی دختری روستایی به نام خورشید است که زندگی آرام و ساده‌ای دارد؛ پسری نجیب از اهالی روستا به خواستگاری او می‌آید و او هم که سخت دل در گروی خواستگار خوش قد و قامتش دارد، برای وصال لحظه‌شماری می‌کند امّا همه چیز یک‌شبه به هم می‌ریزد و خورشید و خانواده‌اش که تاکنون پایشان به هیچ شهری نرسیده، بالاچار با روستای آبا و اجدادیشان وداع کرده و راهی مشهد می‌شوند.

از نحوه همکاری پدر و همسر گرمای‌تان در تهیه اثر اثر که در مقدمه اشاره نموده‌اید، بگویید؟

وقتی نگارش «چینی بندزن» را شروع کردم، دخترم پنج- شش ماهه بود و وقتی کار نگارش رمان به اتمام رسید دو سال و نیمه‌ا و در تمام این مدّت همسرم با کمال میل در نگهداری از دختر پرچرب و جوشمان به بنده کمک می‌کردند تا بنده در فراغ بال بتوانم به نگارش رفته سر بپردازم. چون حقیقتاً اعتقاد داشتمند که نگارش این رمان در راستای اهداف انقلاب و منویات رهبری است و باید به ثمر برسد؛ در مورد پدر بزرگوارم باید بگویم که ایشان حافظه‌ای بسیار قوی

هنر جعلی و میانمایگی فرهنگی در عصر مولتی مدیا

فرزاد میرحمیدی



میانمایگی و هنر جعلی را با نوآوری و هنر

اصیل ممکن می‌ساخت.

از اواخر قرن بیستم و اینک که می‌توان

آن را عصر مولتی مدیا نامید، با تسلط چشمگیر رسانه‌های دیجیتال و پدیده

صفحه ۸

یک‌شنبه ۲۴ بهمن ۱۴۰۰

۱۱ رجب ۱۴۴۳ – شماره ۲۲۹۶۵



هم صدا با حلق اسماعیل

سید فرید موسوی

مرحوم امیرحسین فردی کتاب‌های بسیاری با موضوع انقلاب اسلامی و مبارزات و مبارزان انقلابی نوشته و نقش مهمی در شکل‌گیری ادبیات داستانی انقلاب داشته است. به همین دلیل هم این نویسنده فقید بین داستان‌نویسان جریان انقلاب به پدر داستان انقلاب مشهور است.

«اسماعیل» یکی از آثار مرحوم امیرحسین فردی در حوزه داستان بلند (رمان) است که برای اولین بار در سال ۱۳۸۹ منتشر شد و تاکنون بارها تجدید چاپ شده است. این رمان که بخش‌هایی از آن را می‌توان حاصل خاطرات و دیدگاه‌های نویسنده از دهه ۵۰ و سال‌های منتهی به سرنگونی رژیم پهلوی دانست. این رمان در ژانر رئالیسم نوشته شده و با توجه به محوریت یک نوجوان و همچنین کسوت خالق اثر در زمینه ادبیات کودک و نوجوان، برای گروه سنی جوان و نوجوان مناسب است. البته رمان «اسماعیل» قرار بود که جلد اول یک سه‌گانه درباره انقلاب باشد و جلد دوم آن نیز با عنوان «گرگ‌سالی» نگاشته و منتشر شد، اما متأسفانه پس از این کتاب، امیرحسین فردی دارفانی را وداع گفت و فرصت نگارش جلد سوم این رمان را نیافت.

داستان کتاب

کتاب در مورد زندگی پسری به نام اسماعیل است. داستان از دوره کودکی اسماعیل آغاز شده و تا دوره جوانی او را همراهی می‌کند. اسماعیل در کودکی پدرش را از دست می‌دهد و تیمم از پلار، زیر سایه مادر، بزرگ می‌شود. کم‌کم درس و تحصیل را رها می‌کند و به لاتی تبدیل می‌شود که روز و شب خود را در خیابان و کوچه و قهوه‌خانه می‌گذراند. زندگی اسماعیل به همین منوال ادامه دارد تا اینکه به واسطه قهوه‌خانه‌چی محل، در بانک استخدام می‌شود و…

در سیر داستان، خواننده با مراحل و وقایع مختلف زندگی اسماعیل آشنا می‌شود؛ از آنجایی از شاه خوشش می‌آید «چون عکسش را در کتاب درسی دیده که لبخند می‌زند» تا آنجایی که با اعتقاد به اینکه سهام‌داران بانک‌ها بهانهی هستند (و چون نمی‌خواهد از بهانه‌ی‌ها پول بگیرد) از بانک استعفا می‌دهد.

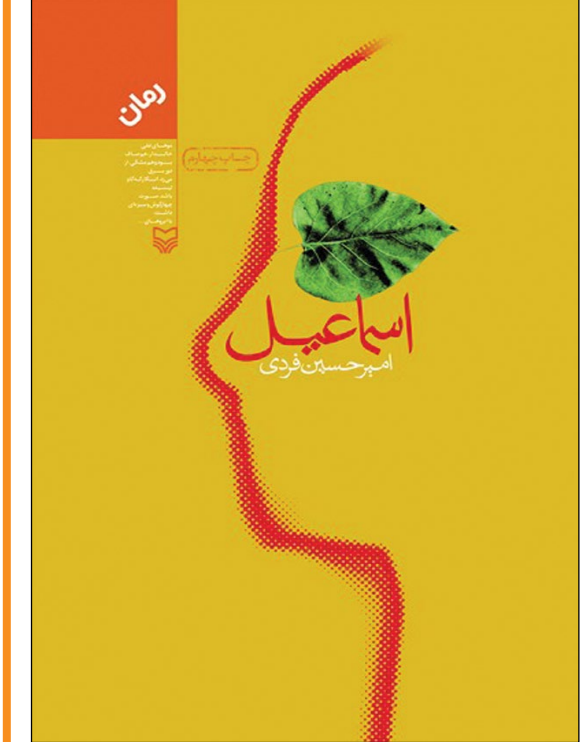
در عین حال در ضمن داستان با شخصیت‌هایی آشنا می‌شویم که کم و بیش در زندگی او نقش ایفا می‌کنند؛ کسانی همچون: علی خالدار، مادر، محبوب، شهنی خانم و…

نقد و بررسی

یکی از موفقیت‌های کتاب را باید در رابطه با توصیف شخصیت‌ها، موقعیت‌ها و اتفاقات دانست. شخصیت‌ها، موقعیت‌ها و اتفاقات حاضر در کتاب به قدری خوب توصیف شده‌اند که به‌طور ناخودآگاه خواننده را به همراهی با داستان وا می‌دارند. این‌س توصیف‌ها باعث هم‌ذات پنداری بیشتر خواننده با آنها شده و به خوبی خواننده را در روند داستان قرار می‌دهد.

ن باید از حق گذشت که قوت قلم نویسنده و سیر وقایع جز در چند نقطه به حدی منطقی است که به رغم ملال‌آور بودن توصیفات بیش از حد، خواننده اجازه نیمه‌تمام رهاکردن کتاب را به خود نمی‌دهد و هر آن آماده است تا در صفحات آینده با یک اتفاق جدید مواجه شود. این قوت قلم و سیر منطقی یک زندگی را در بستر داستان جاری

می‌کند و خواننده زنده بودن را در ساختار کلی کار حس می‌کند. این جاری بودن زندگی باعث می‌شود تا خواننده با روند شکل‌گیری اسماعیل، بزرگ شدن او و نحوه آشنایی‌اش با انقلاب به شکل تدریجی مواجه شود. این ویژگی باعث می‌شود تا خواننده به طور ناخودآگاه و بدون هیچ‌گونه احساس اغراق و پس‌زدگی، روند شکل‌گیری شخصیت اسماعیل را که در بستر حرکت نهضت انقلاب اسلامی در حرکت است باور کند.



اما این تمام آن چیزی نیست که می‌توان در مورد رمان اسماعیل گفت. اسماعیل بی‌شک با موضوع و پرداخت شگرفی که داشته است مسیر جدیدی را در رمان و ادبیات حال حاضر ما باز کرده است. در مدت سه دهه انقلاب و ادبیات داستانی حول محور آن، به موضوع انقلاب بسیار کمتر از موضوعات دیگر این عرصه مثل جنگ پرداخته شده است. اگر هم چیزی در این زمینه نوشته شده کاری از سر پرداختن به یک عقیده یا انجام کاری فرمالیته بوده است؛ اما اسماعیل نشان داد که می‌توان به عقیده‌ای به بلندی انقلاب پرداخت اما نه در دامان سهل‌انگاری افتاد و نه در دام فرمالیته نویسی.

یکی از نمونه‌های شگرف این پرداخت‌بخش‌های تعقیب و گریز اسماعیل از دست ماموران ساواک‌در انتهای کتاب است. این بخش به قدری زیبا و تصویری نوشته شده است که اگر در ابتدای آن جملاتی مثل: «روز- خارچی» یا «روز- داخلی» را اضافه کنیم بدون هیچ توضیحی می‌تواند متن یک فیلم‌نامه خوب و جذاب با موضوع انقلاب باشد.

این نکته البته به نوعی برای تمام این رمان قابل تأویل است، از توصیف مکان‌ها گرفته تا شخصیت‌ها و اتفاقات که از این کار یک اثر موفق چند بعدی ساخته است؛ و یادمان نرود که اکثر آثار موفق سینمای جهان و به‌خصوص هالیوود از روی یک رمان موفق ساخته شده است. با این حال جذابیت بیش از حد این رمان و پایان‌بندی ناتمام آن برای هر خواننده این‌س آرزو را ایجاد می‌کند که هر چه زودتر بتواند ادامه آن را بخواند. بدون شک رمان تکه دومی دارد که در آن از یک سو گریز اسماعیل از دست ماموران ساواک ادامه پیدا خواهد کرد و از سوی دیگر نمادهایی که در جلد اول به نوعی ناتمام گذاشته شده است در آن به سرانجام خواهد رسید. نمادهایی مثل ریل قطار، سوزن‌بان یا… اینها همه بر شدت اشتیاق ما برای خواندن جلد دوم رمان اسماعیل می‌افزاید. پس باید برای ادامه ماجراهای اسماعیل، سراغ رمان «گرگ سالی» رفت.